



خانواده و معضلات اجتماعي در سينماي ايران



که طلاق روُ به گســـترش نهاده و اخبار بُدی از این حوزه به گوش میرســد) که پاسداشت خانواده را جزو ارزشهای خود میداند. در مسیر پاسداش . خانواده، بهطور طبیعی برخیی از آموزشها نیاز است اما تاثیرگذاری آموزشها بسته به این که از کدام مدیوم استفاده شود. شاید به همین دلیل باشد که برخی استفاده از مدیوم سینما را برای این منظور ضروری دانستهاند. رر رارک ر این اساس با توجه به محتوای فیلمهای ساخته شده این حوزه، قالب فیلمهای خانوادگی ملودرام هستند به همین دلیل نوعی تسکین در اغلب این کارها دیده میشـود اما موضوعی که ما را تهدید میکند این اسـت که محتوای چنین فیلمهایی بــا واقعیتهای موجــود در جامعه فاصلــه دار د. باید توجــه کرد کــه کار درباره خانــواده اصولی .". دارد و مادامی که سسینماگران ما به سسمت بیان واقعیتهای موجود در خانوادههای ایرانی حرکت نگنند، شـاید نوعی روزمر گی و ساخت قیلمهای یکسان فضای سینمای ما رااشغال کند.

یسس حدیگر در این زمینه نبود خلاقیت و پشتوانه قوی فکری در زمینه ساخت فیلمهای خانوادگی است که بهعنوان یکی از آفتهای موجود در

مشيد سماواتيان

هنرمنـــدان مانندهـــر گروه اجتماعـــی دیگر، بخشی از جامعه ما هستند اگر موضوعات مربوط به اصناف مختلف و معضلاتـــی که در هر صنف به

وجود می آید، بخشی از معضلات جامعه به شمار

می رود، مشکلات موجود در زمینه اقتصاد هنر هم از موضوعات اجتماعی مااست امامتاسفانه نه رسانه ها

و نه بخشهای دیگر، به این موضوعات اجتماعی، توجه نمی کنند.هنرمند رافقط در قالب کارهایش

بُخشُ اقتصاد هنر مورد توجه قرار نگرفته و کسی درباره این موضوعات کار خاصی انجام نمی دهد؟ اگر

یکی از اسناف از بازارچه مثلانوروزی انتقاد داشته باشد، بسیاری از رسانهها هستند که موضع او را به

جامعه و به تبع آن به مسئولان انتقال دهند اما در

زمینه هنر این کار مرسوم نیست. همان بحثهای همیشگی که در قالب فرم و محتوای هنری مطرح

ت، در رسانه ها مطرح می شود و دیگر هیچ. یکی از معضلاتی که ما گرفتار آن هستیم بحث

اقتصادهنر وفروش محصولات هنری است. در این زمینه هر ســال حراجی بر گزار می شود که معلوم نیست بر چه مبنایی شکل گرفته است. این موضوع

رمان زیادی ذهن مرا به خود مشغول کرده است و زمان زیادی ذهن مرا به خود مشغول کرده است و سوالم اینجاست که مکانیســم حراج، اجرای آن و

موضوعات غیرواقعی در آن را چه کسانی تعیین میکنند. دلال ها چرا به بهانه ترویج اقتصاد هنر، دارندنقض غرض میکنند؟

ر از مسئولان سوال می کنم بر چه اساسی این حراجهار اراه انداخته اند؟ ومن چراباید با هنرم

برای پولدارشُدن کسی که می گوید مصلحت برای

درمذمت منفعت طلبي دراقتصادهنر

سینمای ایران دیده میشود. متاسفانه در چند وقت اخیر بسـیاری از آثار تولید شده در سینما به نوعی، کپیبرداری از نسخههای خارجی هستند. ماگران به موضوعات اجتماعي كه ین محاه هستینه دران به موصوعات اجتماعی خا خانواده و از دواج نیز بخشی از آن است، باعث شده روند ارتباط سینما با بدنه اجتماعی دچار لطمات دیدی شــود. به عبارت دیگر خانــواده ایرانی نمی تواند خود و واقعیتش را در این سینما بب ه همین دلیل تاثیرپذیری جامعه از سینما به حداقل ممکن خواهدرسید. ما تجربه فیلُههای خــوب خانوادگــی را در

فیلمهای سینمای ایران در دهه ۶۰ دان فیلم «شاید وقتی دیگر» بیضایی و «مادیان» علی ژکان با گذشت بیش از ۲۷سال هنوز برای من و بسیاری از مخاطبان تازگی دارد. چراکه این فیلمها رکان با گذشت ژکان با گذشت براساس آیده و اندیشه ای عمیق ساخته شده است و فیلمساز، دنبال بیان واقعیتهای منطبق بر و سیاسط احتماعی آن زمان بوده که برخی از این شــرایط اجتماعی آن زمان بوده که برخی از این واقعیتها تا کنون ادامه داشته است. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که حل مشكلات خانواده وظيفه سينما نيست بلكه بررسي عميق مشكلات جوانان در تشكيل خانواده، از وظایف مهم دولت و دســـتگاههای متولی این امر

امروز به چی فکر می کنی؟

ما بزرگتر از عدالت است و هر کاری انجام دهم؟ سخن من با این دوستان این است که مرد و مردانه

بیاییدوسوالات مرا پاسخ دهید. شایدهم من اشتباه می کنم. بیایید دلیل را ارایه دهید و بگویید به چه

مناسبت یک عده را که هنرشان کارشناسی نشده، مناسبت یک عده را که هنرشان کارشناسی نشده، باید اینطور بزرگ کنید، چــراباید زمینهای فراهم شــود که افرادی بیایند که برایشان فرق نمی کند

رندزمین می خرندیااثر هنری. اینها نه تنها برای هنرمندان بلکه برای جامعه هم

یچ حیه بری سرست می مضر است. ممکن است ضرر این مسائل برای جامعه خیلی مشخص و ملموس نباشد اما در اثر گذشت زمان، ضربه ای که به فرهنگ این مرز و بوم می زند،

رست در ک نمایان خواهدشد. تاسف اینجاست که کسبی به این حراج می آید و به خرید آثار آقدام می کند کــه پول دارد، همین سال می کند کــه پول دارد، همین

ر آر آر آری و فقط می آید که خرید کند. برایدش هم فرق نمی کند آن اثر کپی از کاریک هنرمند دیگر است

. می را به می را به می دارد. سوال اینجاست، من که برای اولین بار چنین کاری را انجام دادهام چرا باید

آثارم دُر خوشُبینانه ترین حالت ممکن ۵ میلیون تومان ارزش گذاری شود؟ دلیلش هم آن است که

ر کی کرر کی کرد وارداین بازار و نگاه تبلیغی نشده ام. گروهی براساس امضای برخی افراد کارها را خرید و فروش می کنند و باعث دق کردن و افسردگی عده ای دیگر می شوند.

كسانى كه امضايشـــان معروف شده كارهايشانِ با رقمهای نجومی به فروش می رسد. علت این کار آن

است که منفعت در این بازار محور همه چیز است و بقیه هم می خواهند وارد این مسابقه ناسالم شوند.

من این کارراانجام نمی دهیمن اولین کسی هستم که مدال درجه اول هنسری گرفت، به همین دلیل به این روند معترضی و معتقدم وزارت ارشاد باید به

حراجی مُجوز دهد که از نظر انسانی و شرعی درست باشد. قیمت گذاری آن توسط کارشناسان واقعی

انجام شودو فضاى رقابت هم براى همه وجود داشته

یت مهرا در در دست. د و نمی توان از فیلمساز توقع معجزه ه وظیفه اصلی سینماگر بیان واقعیتهای موجود در جامعه است، ولسی می توان با هماندیشسی ر کی حصوص به معهاندیتسی صاحب نظران در این حوزه، سسینماگران را به این

اجتماعی و بهویـــژه خانواده، حمایـــت نهادهای متولی از آنان است. بیشک اگر حمایتهای خوبی در این حُوزه از ســوی مدیران ُارشــد سـ وزارت ارشاد و دیگر نهادهای متولی صورت گیرد، فعالان سسینمایی بیشازپیش به این حوزه ورود می کنند، ولی نباید حمایت را با دســتور و تحت می رکی ... فشار قرار دادن سینماگر اشـــتباه گرفت، چراکه بارها نتیجه دخالت و اعمال سلیقه بالادستی را در

سمت متمایل کرد. یکی از پیشنیازهای ورود سینماگران به عرصه

درخصوص از دواج یک شبه به وجود نیامده و باید برای برطرف کــردن آن نیز برنامه ریزی بلندمدت داشت. مشکلات اقتصادی بخشـــی از تنشهای موجــود در زندگـــی زوجهای جوان را تشــکیل میدهد، ولی نبود شناخت کافی و وجود نگاه غلط سی در است و برود امورش های به مقوله از دواج که همگی از نبسود آموزش های در ست و به موقع به جوانان نشأت می گیرد، بخش عمدهای از مشکلات خانوادگی به ویژه در ر سعن داده است و بر همین اساس باید بیشتر تمر کز بر آموزش به نسل جوان باشد و بی شک سینما ظرفیتهای بسیار بالا در انتقال این مفاهیم را خواهد داشت. موضوع با اه

رین سخمیم را خواست است. موضوع با اهمیت این است که هر چند هر کدام از مدیومها (کتاب، سینما، تلویزیون، روزنامه و ...) برای انتقال مفاهیم آموزشی دارای ظرفیت خاص

خود است و باید از همه این ظرفیتها استفاده رد اما سینما مطابق آنچه در تاثیر گذاری آن ثبات شده، دارای ظرفیت مضاعفی است که با این . حال نباید انتظار بیش از حداز آن داشــت. س آموزشگاه نیســت که بخواهیم برای تمام مفا ارزشی و انتقال آن، از چنین پدیدهای استفاده کنیم. سینما مدیومی است که بیش از همه برای سر گرمی از آن استفاده میشود و می تواند در لابه لای چنین پدیدهای مفاهیم ارزشی مانند خانواده را هم در آن گنجاند.

یُنمامشاهده کردهایم. باید دقت داشـــته باشیم که مشــکلات حاضر

قابل توجهی درباره پیامکهای تبلیغاتی مطرح کرده است. هادی حسینی (حقوقدان) ضمن اشاره به خدشهدار شدن حریم خصوصی افراد توسط پیامکهای تبلیغاتی اپراتورها، گفته است: ر کشورهای خارجی برای این کار در قوانین

مزاحمتهای این نوع پیامکها هستند که ر میریم خصوصی و شیخصی افراد را خدشهدار می کنند. گاهی برای مثال شما منتظر شنیدن ی خبر ســــلامتی یکی از عزیزان خــود از طریق تلفن همراه هســــتید، ولی صدای گوشی تلفن نلقل همراه مسييه واي صداي مرسي مس همراه به بهانههاي مختلف همچون تبليغات به صدا درمي آيد که اين ايجاد مزاحمت جدى مي کند. در يکي از آيات شريفه قرآن آمده است که وقتي به جايي وارد شديد سلام کنید و اگر کسی پاسخ نداد باز گردید و حتی اگر کسی بود و به شما گفته شد که باز گردید سریع باز گردید؛ یعنی حق ندارید در را به صدا درآورید. ایسن نص صریح قرآن اس

وگرنـــه چـــه خير آيـــداز من بـــه کس؟

امروز باسعدى شيراز

یکسی از گدایسان ایسن درگهسم نـــه کشـــور خدایـــم نـــه فرماندهـــم تو بــــر خيــــر و نيكــــى دهم دســــترس دعاکن به شـــب چـــون گدایان به ســـوز کمر بســــته گـــردن کشـــان بـــر درت زهـــی بنـــدگان را خداونـــدگار

اگـــر میکنـــی پادشـــاهی بـــه روز تــو بــر آســتان عبــادت سـ خداونـــد را بنـــده حـــق گـــزار

یک خبر ایک نگاه

مزاحمتاپراتورهای تلفن همراه و طرح سه فوریتی!

درسابقه حكمازل وتوفيق خير

در خبرهای یکسی از خبرگزاری ها، مطلبی با ایــن عنوان درج شـ

رسانهای و حقوق شهروندی ضوابطی وجود

حریم شـخصی و خصوصی به حدی محترم

است که بدون اجازه نمی توان وارد حریم افراد ينى تأكيد كرد: از روايت حقوق كه

بگذریم براساس عرف نیز کسی نمی تواند بگذریم براساس عرف نیز کسی نمی تواند بی جهت برای کسسی پیامک ارسال کند و اپراتورها نیز باید ترتیبی دهند که با ارسال ا پراتورها نیز براید تربیبی دهند که با راسان عدد یا هـــر روش دیگر بتـــوان این تبلیغات را دریافت نکرد. ارســـال کننده پیامک برای افراد باید اجازه این کار را داشـــته باشـــد و اینکه شـــما به ۱۰۰ هزار تلفــن همراه یک پیامک تبلیغانی ارسال کنید صحیح نیست. پیامک تبلیغانی ارسال کنید صحیح نیست. پیدایت جیدی رسال سالت کی داده است در آنچه ایس حقوقدان مطرح کرده است در دل بسیاری از مردم است که روزانه مورد هجمه تعداد زیادی از پیامکهای تبلیغاتی قرار می گیرند و معلوم نیست خسارتهای ناشی از بار روانی این موضوع را چه کسی باید پرداخت کند. موضوع قابل بحث در این میان این اســت که قانون چگونه میخواهد درباره این نوع مزاحمتها از شهروندان حفاظت کند. سوالی که از نمایندگان مجلس وجود دارد نیز همین است. آنها که به عنوان وکلای مردم در مجلس شـورای اسلامی و قوه مقننه نشســتهاند تاکنون به فکر شــهروندان زیادی کــه از این موضوع رنج میبرند، بودهاند! آیــا تصویب قانون در این زمینه نیاز به طرح سه فوریتی یا چیزی شبیه به این ندارد؟



دردسرهای زیاددانستن

نسرين قرباني |

تــوى دلـــم گفتـــه بــ تــوی دلــم گفتــه بــوده: «کاش همه سر باز نمیزند اما جایش تا همیشه هست تا چیز به این راحتــی بوده: گاهــی آنقدر از یادت باشد روزی بوده. میم گفته بصود: «برای

پیر، یار رسیدن به چیزی که سالها انتظارش را میکشیدیم، در ر کی ۔۔۔،۱۰ ر خلسه فرو میرویم که واقعیتها را نه آنگونه

که هســت، بلکه به آن شــکل و شــمایلی که دوست داريم در ذهن میسازیم و میپرورانیم و بزرگ می کنیم. پدر سته و نگران بود و

م. حرفي از صادق نميزد اما همينقدر که می توانستم بدون حسی از ترس و تحقیر شدن کنارش باشه، همین که علی از سر و بالا میرفت دنیای سالهای دورم کمی ترمیم می کرد. مثل زخمی که دیگر



بدر مثل نے کاموا، که یک دفعه بکشند، کم و کوتاه شده بود، تبدیل به ویروسی شده بُودمُ که همه برای فراز از مرضی مُسری، ازم فرار می کردند. پدر خسته بود و من دلگیر از دنیایی که توی واقعیت فرو ریخته بود. برشی از کتاب ویولا

از سر دلتنگی

ت که بخواهیم برای تمام مفاهیم

ر می ایرانی اکنون جامعه ای است که بیش از هر زمان دیگر نیازمند بازتاب واقعیتهایش

همه و همــه، باید وقتی در قالــب تصویر به مردم ارایه میشــود آن هم قالبــی که قرار اســت در

ارایه می سود از می است گرمی را هم مدت زمان نمایش فیلم عنصر سسر گرمی را هم فراموش نکند، به صورت بسیار خلاقانه و با محتوا ارایه شبود تا مخاطب ضمن لذت بردن از فیلم، به

ر مین به نام در آن نیز دست یابد. سینما نکات آموزشی نهفته در آن نیز دست یابد. سینما گر در این مسیر درست استفاده شود و با اندیشه

از در این مسیر درست استفاده سود و با اندیسه و فکر مراحل نوشتن سناریو، پیش تولید، ساخت تدوین و سرا لیمت سبر بگذارد، می تواند مدیومی باشــد که بیشـــترین تأثیر را بر مخاطب خواهد گذاشت. به همین دلیل دولت که متولی امور حل

معضلات اجتماعی است باید برنامهای مناسب در این زمینه داشته باشد و برای انجام این برنامه هانیز

منابع كافي هزينه كند.

ن. خانواده، جوانان، معضــلات اجتماعی و ...

درباره تازه به دوران رسیدگی



تازه به دوران رسیدگی ازجمله مسائلی است که در جامعه ما مطرح شده و طرح آن هنوز هم ادامه دارد. هــر از گاهی موضوعاتی در جامعه دیده می شود (که البته اکنون بسیار زیاد شده است) و در برخی از جراید آنها را به تازه بسه دوران رسیدگی مرتبط می کنند. است. باید بپذیریم که این موضوع از معضلات امروز جامعه ایران است که ابعاد مختلفی دارد. اماً ایُن که تازه بُه دوران رسیدگی از چه زمانی آغاز شــد، داســتان خودش را دارد. در کشور ما اول عدهای تبدیل شــدند بــه آدمهایی که چیزهایی میفهمند که دیگــران نمیفهمند. برخی به درســت یا به غلط نام روشــنفکر، به ینها دادند. روشنفکر در طول زندگی هر کدام ر ر ر ر کی ر از ما زیاد وجود داشته اما در کشور ما اگر کسی یقهاش سفید می شد و کروات می زد، روزنامه میخواند و از فرهنگ اروپایی پیروی می کرد و پیپ می کشید، نام روشنفکر را با خود ربه بای می کشید در صورتی که این در تعریف روشنفکر اشتباه است و در اصل برخی از این نشانهها نشانه روشینفکری نیست بلکه نشانه

تازه به دوران رسیدگی است. به مرحال تازه به دوران رسیدگی از اینجاها شروع و آرامآرام

به دوران رسید کی از اینجاها شروع و رامارارام تبدیل شد به کسانی که فرنگ رفتهاند و پز فرنگ رفتن شان را می دادنند. بعد انواع دیگر آن ظهور کرد که البته باز هم بر خی از نمادها و نمودهای آن با روشنفکری مختلط شد. مانند کسانی که ظهور پیدا کرده و نوع دیگری فکر

می کردنــد. مثلاً دُر ایرانُ ما مُدتَــی آنگُلوفیلُ

. . . ر حالا این تازهبهدوران رسیدگی بیشتر دامان جامعه ما را گرفته اسـت. جامعهای که فقر در آن بیداد می کنّد عدهای را در خود جای داده کهّ هر روز بیشــتر از دیروز ثروت خود را به نمایش ميُ گُـــُذارد، أنَّ هم ثرُوتي كه بيشـــُتر باد أورده است و منبع درســتي ندارد. جامعه از اين محل آسسیُبدیده و میبیند و اُگر فکری به حال آن نکنیم، معلوم نیست چه رخ میدهد.

به وجود آمد، مدتی آلمانوفیل و روسوفیل و از ایس گرایشها، که پشتسر هم فرهنگ ۔ ۔دہای امتیازاتی داده شد، مردم دل شان می خواست به آنها متصل شوند. ما روشنفکرانی داشته ایم که گرایش آنگلوفیل و ... داشته اند اما گروهی از نازه به دوران رسیدهها نیز که عملا اندیشهای بشــت رفتارشــان نبود، با خودنمایی به این " تفکرات تُصور ویژهای از خود ایجاد می کردند. در دورهای هم مردم تمایل داشتند دامادشان رر ب می سردم مدین ناسسه دامادسان ارتشی باشد. دلیلش این بود که بعد از ۲۸ مرداد چون طبقات اطلاعاتی - امنیتی و وابستگان نظامی مانند شهربانی و... با دیگران نفاوت اساسی داشــتند و از امتیازات ویژهای برخوردار بودند، خیلیها دوست داشتند به

پین موضوع حسوزه فرهنگ و ادبیات را هم تحت تأثیر قسرار داده و دعوا و جار و جنجالهایسی که در زمینه تغییسر خط و شعر نوو... به وجود آمده نیسز از نظر من تقريبا إز همين مسائل است. اينها موضوعات نماعی است در حوزه سیاسی هم وسیع تر ــت. بنابراین با بروز تـــازه به دوران از این اس رسیدگی و نمود آن در جامعه، شکافهای جتماعی به وجود می آید کـه هزینههایش بسیار سنگین است.

چُنینَ خَانواُدههایی وصل شوند.

(Ö)



